

فصلنامه مطالعات حقوق

Journal of Legal Studies

شماره سی و دوم. تابستان ۱۳۹۸، صص ۷۰-۵۹ Vol 3. No 32. 2019, p 59-70

ISSN: (2538-6395)

شماره شاپا (۶۳۹۵-۲۵۳۸)

تأثیر کنوانسیون مبارزه با تأمین مالی تروریسم در نظام کیفری دولت ها با تأکید بر نظام کیفری ایران

مؤگان غفاری چراتی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری، ایران

چکیده

یکی از راه‌های مبارزه با پدیده تروریسم، مبارزه با تأمین مالی آن است. به این منظور کشورها خود بطور مستقیم یا از طریق سازمان ملل متحد مبادرت به تهیه اسناد و مقرراتی جهت مسدود نمودن راه‌های تأمین مالی تروریسم نموده‌اند. از جمله آنها قطعنامه‌های شورای امنیت، به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۰۰۱، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) تدوین شده توسط سازمان ملل متحد، توصیه‌های ویژه هشتگانه و نیز برخی از توصیه‌های مرتبط چهل‌گانه گروه اقدام مالی می‌باشد. کشور ایران تاکنون عضو بسیاری از کمیسیون‌های مبارزه با تأمین مالی تروریسم شده است علاوه بر این قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۸۶) و همچنین آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با پولشویی (۱۳۸۸) را تصویب نموده است. نتایج حاصل از تحقیق حاضر بیانگر این است که حقوق ایران با حقوق بین‌الملل در زمینه تأمین مالی تروریسم منافاتی ندارد و ایران با وجود اینکه از مجموع ۱۱ کنوانسیون بین‌المللی موجود در زمینه تأمین مالی تروریسم تنها به عضویت کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (۷ اکتبر ۱۹۹۹) درنیامده است اما مفاد آن کنوانسیون را نیز رعایت می‌نماید.

واژه‌های کلیدی: تأمین مالی، تروریسم، کنوانسیون، حقوق بین‌المللی، سازمان ملل

مقدمه

به منظور مبارزه با تأمین مالی تروریسم، هنجارها و بایسته‌های بین‌المللی گوناگونی پیش روی کشورهاست. این قواعد و مقررات بین‌المللی طیف گسترده‌ای دارند برخی (مانند قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز کنوانسیون‌های بین‌المللی متضمن قواعد آمره) الزام‌آورند و برخی دیگر بایسته‌های اختیاری هستند که به طور هماهنگ توسط گروه‌های مختلفی از کشورها ایجاد شده‌اند (به طور مثال توصیه‌های ویژه چهل‌گانه گروه اقدام مالی در مورد مبارزه با تأمین مالی تروریسم). در عین حال که در این هنجارهای بین‌المللی، مقررات مشترکی هم وجود دارد ولی دامنه شمول و قدرت الزام‌آور هر یک با دیگری متفاوت است. اجرای برخی از آنها مستلزم تصویب قانون‌گذار است ولی در سایر موارد، چنین استلزامی وجود ندارد و از راه‌های دیگر می‌توان آنها را به اجرا گذاشت.

هر کشوری برای مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم لازم است سه هدف اولیه را در نظر داشته باشد. نخست ترساندن و برحذر داشتن پولشویان و تأمین‌کنندگان مالی تروریسم از به کارگیری سیستم مالی کشور برای اهداف غیرقانونی، دوم کشف پولشویی و تأمین مالی تروریسم در هر زمان و هرجایی که اتفاق می‌افتد و سوم مجازات کسانی که مرتکب چنین اعمالی می‌شوند.

برای هر کشوری، داشتن یک نظام مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم به دلایل متعدد مهم است. البته احتمالاً اولویت‌های دست‌اندرکاران نظام در بخش دولتی هر کشوری تا حدودی متفاوت است، زیرا دست‌اندرکاران شامل افراد و نهادهای مختلفی هستند. از آن جمله: سیاست‌گذاران، مقامات دولتی و قانون‌گذاری، قوه قضاییه، نهادهای مجری قانون، واحد اطلاعات مالی و مقام‌های نظارتی و تنظیم مالی. از جمله دلایل ضرورت وجود یک برنامه داخلی پیشرفته در مورد مقابله با تأمین مالی تروریسم در هر کشوری عبارت از افزایش امنیت و ثبات عملیات بانکی در آن کشور و اجتناب یا به حداقل رساندن آثار بین‌المللی منفی پولشویی و تأمین مالی تروریسم است.

بیان مسأله

تلاش جامعه بین‌المللی جهت جلوگیری و مجازات تأمین مالی تروریسم، بخشی از تلاش جامع‌تری است که به منظور مبارزه با تمامی جنبه‌های تروریسم صورت می‌گیرد. این اقدامات و تلاش‌ها در سطوح مختلف جهانی و منطقه‌ای انجام گرفته است. بر این اساس می‌توان مهم‌ترین الزام‌های بین‌المللی موجود را به ترتیب اهمیت در سه بخش طبقه‌بندی و معرفی نمود:

(۱) قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد، به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳؛

(۲) کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹)؛

(۳) توصیه‌های گروه اقدام مالی.

از حیث اهمیت و اعتبار شکلی و وصف الزام‌آور آنها، قطعنامه‌های شورای امنیت، به ویژه قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۰۰۱، در وهله اول اهمیت قرار دارند؛ در وهله دوم، کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم (۱۹۹۹) تدوین شده توسط سازمان ملل متحد است؛ سپس، توصیه‌های ویژه هشتگانه و نیز برخی از توصیه‌های مرتبط چهل‌گانه گروه اقدام مالی می‌باشد. اگرچه توصیه‌های گروه اقدام مالی برخلاف قطعنامه ۱۳۷۳ از پشتوانه ماده ۲۵ منشور ملل متحد برخوردار نیستند، ولی از نظر عملی واجد اهمیت بسیاریند. مفاد این اسناد به گونه‌ای تنظیم شده که هریک مکمل و در مواردی تکرار دیگری است. به گونه‌ای که طبق ماده ۲۵ منشور ملل متحد، اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ اجباری است؛ از طرف دیگر، طبق این قطعنامه از کشورهای عضو ملل متحد خواسته شده تا به کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم ملحق شوند. تصویب و اجرای کنوانسیون نیز مستلزم تصویب قانونی داخلی است که باید مطابق قواعد و استانداردهای مقرر در کنوانسیون تدوین شده باشد. علاوه بر این‌ها، ملاحظات عملی مربوط به حفظ رابطه کارگزاری با بانک‌های خارجی نیز مستلزم اجرای توصیه‌های گروه اقدام مالی است. (شمس ناتری، ۱۳۸۰: ۲۱)

اما مهمترین مقرراتی که در ایران برای مبارزه با تأمین مالی تروریسم انجام شده است لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم است که در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۲۹ توسط هیات وزیران تصویب شد در مقدمه این لایحه آمده است مقابله با تروریسم مستلزم قطع منابع اقتصادی گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی است و چون لازمه این امر تقویت تدابیر تقنینی و اجرایی در جهت مبارزه با اشکال مختلف تأمین مالی تروریسم است لذا لایحه مبارزه با تأمین مالی تروریسم تهیه شده است. علاوه بر قوانین و مقررات فوق‌الذکر، ایران عضو بعضی از معاهدات جهانی ضد تروریستی است اما مساله اصلی، استفاده از قوانین داخلی به منظور اجرایی کردن دقیق معاهدات مذکور است. (کارگری، ۱۳۹۱: ۹۷)

با توجه به مطالب مذکور در تحقیق حاضر محقق در صدد بررسی تطبیقی مبارزه با تأمین مالی تروریسم در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل می‌باشد و مسئله اصلی این است که وجه اشتراک و افتراق قوانین و مقررات ایران در مبارزه با تأمین مالی تروریسم و حقوق بین‌الملل چیست؟

مفهوم تروریسم

ترور در لغت ترس زیاد، هراس، خوف و وحشت را گویند. نویسنده دانشنامه سیاسی بر این عقیده است که مفهوم لغوی ترور در زبان فرانسه به معنای هراس و هراس افکنی است و در سیاست: به کارهای خشونت آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آنها ترور گفته می‌شود. تروریسم اصطلاحاً به قتل سیاسی گفته می‌شود که با سلاح صورت گیرد و به فاعل و انجام‌دهنده این نوع قتل تروریست گویند. در لغت‌نامه دهخدا نوشته که اصل حکومت وحشت و فشار، اصول حکومتی بود که

در فرانسه از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴، مستقر بود. و در زبان فارسی این کلمه به اصلی اطلاق می‌شود که در آن از قتل‌های سیاسی و ترور دفاع گردد. (عباسی، ۱۳۹۳: ۲۶۹)

در فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد به صراحت یاد آور شده که تروریسم اصطلاحی است که بر سر تعریف آن توافق میان حکومت‌ها یا تحلیلگران دانشگاهی وجود ندارد، اما تقریباً به شیوه‌های گوناگون به تعبیری منفی به کار می‌رود تا غالباً اقدامات گروه‌های فرادولتی خود ساخته با انگیزه سیاسی علیه جان افراد را توصیف کند. اما اگر این اقدامات به خاطر یک آرمان گسترده مقبول نظیر اقدامات ماکویز برای بی‌ثبات‌سازی حکومت ویش فرانسه صورت بگیرد، از کاربرد اصطلاح تروریسم معمولاً اجتناب شده و اصطلاح دوستانه‌تری جانشین آن می‌شود. (همان، ۲۷۱)

اگر کسی، الف: اقدامات خشونت‌آمیزی که منجر به آسیب جسمانی شدید، ربودن، توقیف غیرقانونی و گروگانگیری اشخاص باشد انجام دهد.

ب: این اقدام او علیه افرادی باشد که دارای مصونیت قانونی هستند.

ج: قصد وی از این کار، تاثیرگذاری بر خط‌مشی جمهوری اسلامی ایران، سایر کشورها یا سازمان‌های بین‌المللی دارای نمایندگی در خاک جمهوری اسلامی ایران باشد؛ عمل وی تروریستی محسوب می‌شود. این تعریف، تقریباً همان تعریفی است که در کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تامین مالی تروریسم قید شده است. به این ترتیب، عمل تروریستی دارای سه عنصر است. عنصر نخست این است که متضمن یک اقدام خشونت‌بار است و از این‌رو اعمالی را که خشونت‌بار نباشند نمی‌توان تروریستی محسوب کرد؛ عنصر دوم این است که عمل تروریستی عملی است که خلاف شهروندان عادی است و عملی را که در سیاق مخاصمه مسلحانه انجام می‌شود نمی‌توان عمل تروریستی محسوب کرد و سومین عنصر این است که هدف از عمل تروریستی تاثیرگذاری بر خط‌مشی‌ها یا سیاست‌های یک دولت یا سازمان بین‌المللی است. (عالی پور، ۱۳۸۵: ۵۴)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، تعریف ارائه‌شده در قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم ایران در یک نکته با تعریف کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تامین مالی تروریسم تفاوت دارد. در حالی که در کنوانسیون بین‌المللی، قید شده است که مجنی‌علیه عملیات تروریستی کسی است که نظامی فعال در جریان مخاصمه مسلحانه نیست، در قانون تصویب‌شده در ایران قید شده است که مجنی‌علیه عملیات تروریستی، کسی است که دارای مصونیت قانونی است. چرا چنین تفاوتی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد یک اشتباه در ترجمه باعث تصویب قانون ایران به این شکل شده است. از منظر حقوقی، اگر شخصی، شخص دیگری را در جنگ بکشد، تروریست محسوب نمی‌شود و متخاصم یا رزمنده محسوب می‌شود و اگر دستگیر شود، نمی‌شود او را به عنوان تروریست بازداشت و محاکمه کرد. تصور کنید که دولت ایران، با یک دولت خارجی در حال جنگ است. رزمنده ایرانی اسیر می‌شود، دولت خارجی حق ندارد اسیر جنگی را به عنوان تروریست در

دادگاه‌های خود محاکمه و مجازات محکوم کند و برعکس، ایران هم حق چنین کاری را با اسرای طرف مقابل ندارد.

مفهوم تأمین مالی

تأمین مالی تروریسم به فعالیت‌هایی که حمایت مالی برای افراد یا گروه‌های تروریستی فراهم می‌کند اطلاق می‌شود. دولتی که لیستی برای سازمان‌های تروریستی دارد معمولاً قوانینی نیز برای جلوگیری از پولشویی پولی که صرف تأمین مالی این سازمان‌ها می‌شود تصویب می‌کند. (فیرحی، ۱۳۸۷: ۳۲)

کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۷ اکتبر ۱۹۹۹)

کشورهای عضو این کنوانسیون، با توجه به مقاصد و اصول منشور سازمان ملل متحد در مورد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و ارتقاء حسن همجواری و روابط دوستانه همکاری میان کشورها، با ابراز نگرانی عمیق نسبت به افزایش اعمال تروریستی در تمامی اشکال و مظاهر آن در سراسر جهان، با یادآوری اعلامیه پنجاهمین سالگرد تاسیس سازمان ملل متحد مندرج در قطعنامه شماره ۵۰/۶ مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۹۵، مجمع عمومی، همچنین با یادآوری کلیه قطعنامه‌های مربوطه مجمع عمومی در خصوص این موضوع منجمله قطعنامه شماره ۴۹/۶۰ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۴ و منضمات آن راجع به اقدامات جهت رفع تروریسم بین‌المللی که طی آن کشورهای عضو سازمان ملل متحد رسماً و مجدداً مورد تأیید قرار دادند. کلیه اعمال، روش‌ها و فعالیت‌های تروریستی را بعنوان اقدامات جزائی و غیرقابل توجیه در هر کجا و توسط هر کس که ارتکاب یابد منجمله آن اقداماتی را که روابط دوستانه میان کشورها و ملت‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد و تمامیت ارضی و امنیت کشورها را در مورد تهدید قرار می‌دهد، صریحاً محکوم می‌نماید.^۱ با خاطر نشان ساختن این مطلب که اعلامیه اتخاذ اقدامات جهت رفع تروریسم بین‌المللی همچنین کشورها را تشویق نمود تا ابعاد مفاد حقوق بین‌المللی موجود را در خصوص جلوگیری، سرکوب و محو تروریسم در تمامی اشکال و مظاهر آن بطور عاجل مجدداً بررسی نمایند بدین منظور که اطمینان یابند یک چارچوب جامع حقوقی که حاوی تمامی جنبه‌های موضوع باشد، وجود داشته باشد. با توجه باینکه تأمین مالی تروریسم بطور کلی موضوعی است که موجبات نگرانی شدید جامعه بین‌المللی را فراهم آورده است. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۰: ۱۲۰)

با خاطر نشان ساختن اینکه شمار و شدت اعمال تروریسم بین‌المللی بستگی به میزان کمک‌های مالی است که تروریست‌ها کسب می‌نمایند، همچنین با خاطر نشان ساختن اینکه اسناد حقوقی چند جانبه موجود صریحاً چنین تأمین مالی را مطرح نمی‌سازد، با اعتقاد به اینکه نیاز عاجل است که همکاری‌های بین‌المللی میان کشورها را جهت شکل‌گیری و اتخاذ اقدامات موثر به منظور جلوگیری از تأمین مالی تروریسم و

1- Convention against the financing of terrorism (7 October 1999)

همچنین اجتناب از انجام این اقدامات از طریق پیگرد و مجازات مرتکبین افزایش داد، در مورد این کنوانسیون با یکدیگر موافقت نموده‌اند.

متن کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۹۹ توسط مجمع عمومی مورد تصویب قرار گرفت و تا تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۰۳، ۱۳۲ کشور آن را امضا نموده و از ۱۰ آوریل ۲۰۰۲ بین ۸۰ کشور لازم‌الاجرا شده است. طبق ماده ۲۶ «کنوانسیون»، سی روز پس از سپردن بیست و دومین سند پذیرش، قبول، تصویب یا الحاق نزد دبیرکل ملل متحد، این کنوانسیون نافذ و قابل اجرا خواهد بود. هر کشوری که پس از سپردن بیست و دومین سند پذیرش، قبول، تصویب یا الحاق، این کنوانسیون را مورد پذیرش، قبول یا تصویب قرار دهد یا به آن ملحق گردد، سی روز بعد مقررات این کنوانسیون در مورد آن کشور نیز نافذ و قابل اجرا خواهد بود. از طرف دیگر مطابق ماده ۲۷ «کنوانسیون»، کشورهای عضو می‌توانند با اعلام کتبی به دبیرکل ملل متحد از کنوانسیون کناره‌گیری کنند. در این صورت یکسال پس از وصول اعلام کتبی توسط دبیرکل ملل متحد، این کناره‌گیری نافذ و مؤثر خواهد بود. (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۶)

«کنوانسیون»، سه تعهد عمده برای کشورهای عضو قائل شده:

- ۱) جرم انگاری تأمین مالی اعمال تروریستی در قوانین جزایی.
- ۲) همکاری گسترده با سایر کشورهای عضو و ارائه معاضدت قضایی در موضوعات مربوط به کنوانسیون.
- ۳) وضع مقررات و الزامات مربوط به ایفای نقش مؤسسات مالی در کشف و گزارش‌دهی موارد تأمین مالی اعمال تروریستی. (حکیمی‌ها، ۱۳۸۴: ۲۶)

خلاصه مطالب «کنوانسیون»:

ماده	موضوع
۴	جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم به شرح مذکور در مواد ۲ و ۳ «کنوانسیون».
۵	ایجاد مسئولیت (کیفری، مدنی و اداری) برای اشخاص حقوقی به عنوان تأمین مالی تروریسم.
۶	عدم پذیرش ملاحظات سیاسی، فلسفی و غیره، به عنوان معاذیری جهت تأمین مالی تروریسم.
۷	ایجاد صلاحیت قضایی نسبت به جرم تأمین مالی تروریسم.
۸	ایجاد اختیار برای کشور جهت شناسایی، کشف، انسداد، توقیف یا ضبط وجوهی که به منظور تأمین مالی تروریسم مورد استفاده قرار گرفته است.
۹، ۱۷، ۱۹	ایجاد آیین و روش دستگیری اشخاص مظنون به تأمین مالی تروریسم (شامل اعلام آن به سایر کشورها و مراجعی که ممکن است به قضیه مرتبط باشند).
۱۰	اجرای اصل «تعقیب یا استرداد».
۱۱	اجرای مقررات مربوط به استرداد مجرم.
۱۲ تا ۱۵	اجرای مقررات مربوط به معاضدت قضایی و استرداد.
۱۶	اجرای مقررات مربوط به نقل و انتقال افراد بازداشت شده و زندانی.
۱-۱۸ الف ب	اتخاذ اقدامات پیشگیرانه از تأمین مالی تروریسم، شامل: (الف) منع تشویق، تحریک، سازماندهی یا استخدام جهت ارتکاب جرایم تأمین مالی تروریسم؛ (ب) الزام مؤسسات مالی به بکارگیری کارآمدترین اقدامات به منظور شناسایی مشتری و معاملات مشکوک و گزارش دهی معاملات مشکوک و به همین منظور تدوین مقررات ناظر بر صاحبان حساب و ذینفع‌هایی که شناسایی نشده‌اند؛ تدوین مقررات مربوط به مستندات و مدارک لازم جهت افتتاح حساب برای اشخاص حقوقی؛ تدوین مقررات مربوط به نحوه گزارش دهی معاملات مشکوک و تدوین مقررات ناظر بر نحوه نگهداری بایگانی مربوط به معاملات.
۲-۱۸ الف ب	سایر تعهدات مربوط به پیشگیری از جرم: (الف) انجام اقدامات نظارتی، از جمله شامل: اعطای مجوز به مؤسسات واسطه وجوه؛ (ب) انجام اقدامات عملی به منظور ردگیری یا کنترل جابجایی و نقل و انتقال برون مرزی وجوه.
۳-۱۸ الف ب	(الف) برقراری کانال‌های مبادله اطلاعات بین نهادهای ذیربط؛ (ب) ایجاد آیین و روشی برای همکاری با سایر اعضای کنوانسیون جهت پاسخگویی به سؤالات مربوط به اشخاص و وجوه مظنون به دخالت در تأمین مالی تروریسم.
۴-۱۸	مبادله اطلاعات از طریق پلیس بین‌الملل.

حال با توجه به امری و الزام آور بودن قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت (حسب مواد ۲۵ و ۴۸ منشور) و عنایت به ردیف (ت) بند ۳ قطعنامه که مقرر می‌دارد کلیه کشورها باید در اسرع وقت به عضویت کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط و پروتکل‌های مرتبط با آنها ناظر بر تروریسم، از جمله کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با

تأمین مالی تروریسم مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۹ درآیند، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که الحاق به «کنوانسیون» و حتی سایر کنوانسیون‌های مرتبط به موجب قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت که بر مبنای فصل هفتم منشور صادر شده است، الزامی است و عدم انجام این تکلیف می‌تواند منجر به اعمال ضمانت اجرای مقرر در منشور شود. به هر صورت، مقرراتی به صورت مشترک در قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت و «کنوانسیون» دیده می‌شوند که می‌توان آنها را به شرح زیر خلاصه نمود:

مقررات مشترک بین قطعنامه (۲۰۰۱) ۱۳۷۳ و «کنوانسیون» (۱۹۹۹):

قطعنامه (۲۰۰۱) ۱۳۷۳ شورای امنیت	«کنوانسیون» (۱۹۹۹)
۱- تصمیم شورای امنیت مبنی بر این که تمام کشورها: (الف) از تأمین مالی اعمال تروریستی پیشگیری و با آن مبارزه کنند. (ب) ارائه یا جمع آوری وجوه برای ارتکاب اعمال تروریستی توسط اتباع آنها در سرزمین آنها را جرم محسوب نمایند.	هدف از تدوین کنوانسیون
(پ) دارایی تروریست‌ها و مؤسسات متعلق به یا تحت کنترل ایشان و نیز اشخاصی که از طرف آنها اقدام می‌کنند را مسدود نمایند.	ماده ۴ مقرر می‌دارد کشورهای عضو، تأمین مالی تروریسم را به نحو مذکور در کنوانسیون، جرم محسوب نمایند.
(ت) اتباع و سکنه خود را از در اختیار دادن وجوه به اشخاصی که مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند منع کنند.	ماده ۸ مقرر می‌دارد کشورهای عضو باید اقدامات لازم را به منظور شناسایی، کشف و توقیف یا ضبط وجوه مورد استفاده جهت ارتکاب جرم تأمین مالی تروریسم به عمل آورند.
۲- تصمیم شورای امنیت مبنی بر این که کشورهای عضو: (الف) از اشخاصی که مرتکب اعمال تروریستی می‌شوند حمایت نکنند؛ (ب) اقدام لازم را به منظور جلوگیری از ارتکاب اعمال تروریستی به عمل آورند از جمله این که از طریق مبادله اطلاعات، اخطار قبلی لازم را به سایر کشورها بدهند	اقدامات مذکور در قطعنامه، منصرف و متفاوت با عمل تأمین مالی اعمال تروریستی است که به موجب کنوانسیون جرم تلقی شده است
(پ) از ایجاد محیطی امن برای اشخاصی که مبادرت به تأمین مالی، طراحی، حمایت یا ارتکاب اعمال تروریستی می‌کنند، جلوگیری کنند	ماده ۱۸(۳) مقرر می‌دارد کشورهای عضو باید با مبادله اطلاعات، مانع تأمین مالی تروریسم شوند.
(ت) از استفاده از سرزمین آنها به منظور تأمین مالی، طراحی، تسهیل یا ارتکاب اعمال تروریستی جلوگیری کنند.	ماده (الف) ۱۸(۱) مقرر می‌دارد لازم است کشورها به منظور جلوگیری از این که سرزمینشان جهت تأمین مالی تروریست‌ها مورد استفاده قرار گیرد، همکاری لازم را با یکدیگر به عمل آورند.
(ث) اطمینان یابند اشخاصی که در تأمین مالی، طراحی یا ارتکاب اعمال تروریستی شرکت داشته‌اند، محاکمه می‌شوند.	مواد ۹، ۱۰ و ۱۷ هدف مشابهی دارند.
(ج) بیشترین معاضدت قضایی را درخصوص تحقیقات یا رسیدگی‌های کیفری مربوط به تأمین مالی یا حمایت از اعمال تروریستی، نسبت به یکدیگر به عمل	در مورد تأمین مالی اعمال تروریستی، ماده ۱۱ (راجع به استرداد مجرمین) و مواد ۱۲ تا ۱۵ (معاضدت قضایی و استرداد مجرمین)

آوردند؛	همین موضوعات را پوشش می‌دهند.
ج) با اعمال کنترل‌های مرزی مؤثر، از جابجایی تروریست‌ها جلوگیری کنند.	ماده (ب) ۱۸(۲) مقرر می‌دارد کشورها اقدامات مربوط به کشف یا نظارت بر نقل و انتقال فیزیکی برون‌مرزی وجه نقد و بعضی اسناد در وجه حامل را مورد نظر قرار دهند.
۳- از کشورها می‌خواهد تا: الف) راه‌های تقویت و افزایش مبادله اطلاعات را بیابند.	مواد ۱۲ و ۱۸(۳) متضمن مقررات مشابهی در مورد پیشگیری از تأمین مالی تروریسم می‌باشند.
ب) به منظور پیشگیری از ارتکاب اعمال تروریستی، اطلاعات خود را مبادله کنند.	مواد ۱۲ و ۱۸(۳) متضمن مقررات مشابهی در مورد پیشگیری از تأمین مالی تروریسم می‌باشند.
پ) به منظور پیشگیری و مبارزه با حملات تروریستی، همکاری کنند.	مواد ۱۲ و ۱۸(۳) متضمن مقررات مشابهی در مورد پیشگیری از تأمین مالی تروریسم می‌باشند.
ت) به عضویت کنوانسیون‌های مربوط از جمله کنوانسیون بین‌المللی مبارزه با تأمین مالی تروریسم در آیند؛	
ث) همکاری خود را افزایش دهند و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط و قطعنامه‌های (۱۹۹۹) ۱۲۶۹ و (۲۰۰۱) ۱۳۶۸ شورای امنیت را به طور کامل اجرا کنند؛	
ج) اقداماتی را انجام دهند تا اطمینان یابند متقاضیان پناهندگی، از اشخاصی نیستند که مبادرت به طراحی، تسهیل یا شرکت در ارتکاب اعمال تروریستی می‌کنند؛	
ج) اطمینان یابند که: ۱) وضعیت پناهندگی توسط تروریست‌ها مورد سوء استفاده قرار نگیرد؛ و ۲) انگیزه‌های سیاسی به عنوان معاذیری برای عدم پذیرش استرداد متهمین به تروریسم به رسمیت شناخته نشود.	ماده ۱۴، انشاء و زبان مشابهی با بخش دوم ردیف (ج) دارد

بررسی وضعیت ایران در کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم (۱۷ اکتبر ۱۹۹۹)

مبارزه بین‌المللی با تأمین مالی تروریسم، چارچوبی است که از سال ۱۹۹۸ به پیشنهاد فرانسه در نشست مجمع عمومی مطرح شد و به تصویب قطعنامه ۵۳/۱۰۸ انجامید و طی آن کمیته‌ای ویژه به منظور تدوین پیش‌نویس کنوانسیونی در این خصوص تحت‌نظر مجمع تشکیل شد. کنوانسیون مذکور در ۹ دسامبر سال ۱۹۹۹ تصویب و از ۱۰ ژانویه ۲۰۰۰ به منظور امضا، مفتوح شد که در ۱۰ آوریل ۲۰۰۲ موجبات لازم الاجرا شدن آن فراهم شد، تاکنون ۱۷۳ کشور آن را تصویب کرده و ۳ دولت با وجود امضا، هنوز به منظور تصویب اقدام نکرده‌اند. (بقایی هامانه، ۱۳۸۰: ۳۰)

کشور ایران در میان امضاکنندگان این کنوانسیون نبوده و تاکنون نیز اقدامی برای الحاق به آن صورت نگرفته است، از این رو، کنوانسیون مذکور جز مبانی حقوقی مبارزه با تأمین مالی تروریسم در جمهوری

اسلامی ایران به حساب نمی‌آید. با این حال، همین موضوع تامین مالی تروریسم و پیگیری‌های شورای امنیت و کمیته مبارزه با تروریسم سبب شده که ایران به رغم عدم عضویت در کنوانسیون مذکور، به این موضوع و حتی کنوانسیون مذکور اهمیت زیادی بدهد و اساساً یکی از مستندات حقوقی برای توجیه تصویب این لایحه به عنوان قانون، همین کنوانسیون بوده است، به واقع، رویه کشورمان چنین به نظر می‌رسد که مفاد کنوانسیون ۱۹۹۹ را متضمن قواعد عرفی می‌شمارد. (همان، ص ۳۲)

البته چنین رویکردی خالی از ایراد نیست، زیرا کشورمان با پذیرش عرفی بودن این کنوانسیون و عمل به آن بدون طی مراحل معاهده‌ای تصویب آن، بهره‌مندی از مزیت‌های آن سند را از نظر دور داشته است. از این رو، با توجه به اینکه قرار است به الزامات معاهدات مذکور عمل کنیم (یا در اجرای آن چاره‌ای وجود ندارد)، لازم است از طریق طی مراحل الحاق، بهره‌مندی کشور از مزیت‌های آن معاهده را نیز ممکن کنیم. اقدام سریع وزارت امور اقتصادی و دارایی یا وزارت امور خارجه و حتی معاونت حقوقی ریاست جمهوری در تنظیم لایحه الحاق به این کنوانسیون، ضروری به نظر می‌رسد.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر جامعه جهانی برخلاف سایر اقدامات اتخاذ شده در مبارزه با تروریسم که همگی واکنشی بوده و در پی عملیات خاصی انجام شده‌اند، در اقدامی پیشگیرانه تلاش نمود با کوتاه کردن و محدود نمودن منابع مالی گروه‌های تروریستی به مبارزه با آنها بپردازد. این اقدام جامعه جهانی اول در کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از تأمین مالی تروریسم متجلی شد. متن این کنوانسیون در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۹۹ توسط مجمع عمومی مورد تصویب قرار گرفت و از ۱۰ آوریل ۲۰۰۲ لازم الاجرا شده است و تا امروز ۱۷۳ کشور به آن پیوسته‌اند.

این کنوانسیون، سه تعهد عمده برای کشورهای عضو قائل شده:

۱. جرم‌انگاری تأمین مالی اعمال تروریستی در قوانین جزایی،
 ۲. همکاری گسترده با سایر کشورهای عضو و ارائه معاضدت قضایی در موضوعات مربوط به کنوانسیون،
 ۳. وضع مقررات و الزامات مربوط به ایفای نقش مؤسسات مالی در کشف و گزارش‌دهی موارد تأمین مالی اعمال تروریستی. علاوه بر این کنوانسیون
۱. عدم پذیرش ملاحظات سیاسی، فلسفی و... به عنوان معاذیری جهت تأمین مالی تروریسم،
 ۲. اجرای اصل «تعقیب یا استرداد کن»
 ۳. منع تشویق، تحریک، سازماندهی یا استخدام جهت ارتکاب جرائم تأمین مالی تروریسم،
 ۴. الزام مؤسسات مالی به به‌کارگیری کارآمدترین اقدامات به‌منظور شناسایی مشتری و معاملات مشکوک و گزارش‌دهی معاملات مشکوک،

۵. برقراری کانال‌های مبادله اطلاعات بین نهادهای ذیربط،
 ۶. ایجاد آیین و روشی برای همکاری با سایر اعضای کنوانسیون جهت پاسخگویی به سؤالات مربوط به اشخاص و وجوه مظنون به دخالت در تأمین مالی تروریسم را مقرر داشته است.
- فراتر از این کنوانسیون جامعه جهانی اقدامات دیگری را نیز اتخاذ نمود. شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از حملات ۱۱ سپتامبر طی قطعنامه ۱۳۷۳ تصمیم گرفت که کلیه دولت‌ها باید از هرگونه حمایت از تروریست‌ها و گروه‌های تروریستی خودداری نمایند، اقدامات پیشگیرانه را در جهت مبارزه با تروریسم اتخاذ نمایند.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- بقایی هامانه، اسماعیل (۱۳۸۰)، تروریسم بین‌الملل و شورای امنیت سازمان ملل، نشریه راهبرد، شماره ۲۱.
- ۲- حکیمی‌ها، سعید (۱۳۸۴)، مقایسه تروریسم و جرم سازمان‌یافته، مصباح مجله علوم انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، ش ۶۱.
- ۳- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۰)، بررسی سیاست کیفری ایران در قبال جرایم سازمان‌یافته با رویکرد به حقوق جزای بین‌المللی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۸۳)، جرائم سازمان‌یافته، مجله فقه و حقوق، شماره ۱.
- ۵- صنوبر، ناصر (۱۳۹۳)، اقتصاد تروریسم، انتشارات بورس.
- ۶- عالی‌پور، حسن (۱۳۸۵)، پول‌شویی تهدیدی علیه امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره دوم.
- ۷- عباسی، اصغر (۱۳۹۳)، حقوق کیفری اقتصادی، مبارزه با پول‌شویی در اسناد بین‌المللی و نظام حقوقی ایران، نشر میزان.
- ۸- عبدالحی، محسن (۱۳۸۱)، پیامدهای حوادث یازده سپتامبر بر مبارزه با تروریسم، ماهنامه حقوقی، شماره اول.
- ۹- فیرحی، داود؛ ظهیری، صمد (۱۳۸۷)، تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸.
- ۱۰- کارگری، نوروز (۱۳۹۱)، درون‌مایه‌های تروریسم، تهران، نشر میزان.
- ۱۱- گروه ضربت اقدام مالی (فتف) (۱۳۹۲) استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم، ترجمه فردوس زارع قاجاری و علی قائم مقامی، تهران، نشر تاش.
- ۱۲- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۸۰-۱۳۷۹)، تقریرات درس جرم‌شناسی (بزهکاری مزمن، پیشگیری زودرس، جرایم سازمان‌یافته)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

13- Laurel S. Terry, "An Introduction to the Financial Action Task Force and Its 2008 Law-yer Guidance", The Pennsylvania State University The Dickinson School OF Law Legal Studies Research Paper No. 39

14- Robin Booth and others, Money Laundering Law and Regulation, A practical Guide, Oxford University Press, 2001, P. 1.

15- Morais, H. V. (2002). The War Against Money Laundering, Terrorism, and the Financing of Terrorism. Lawasia Journal 2002